

قواعد زبان عربی

(عمومی)

در نمودارها



تنظیم و نگارش: کاظم غلامی

قابل استفاده برای داوطلبان کنکور سراسری

انواع اعراب - اعراب فرعی

اعراب اصلی

اعراب ظاهری

همواره اعراب دارد

اسم مثنی
 هنگام رفع «ان» و هنگام نصب و جرّ «ین» می‌گیرد
 (مرفوع بالالف - منصوب أو مجرور بالياء)

با حروف
 در حالت مضاف «ن» آنها حذف می‌شود:
 تلميذا المدرسة، تلميذی المدرسة، أخوای (أخوان+ی)، صديقيّ (صديقين+ی)

همواره اعراب دارد

اسم مثنی
 هنگام رفع «ون» و هنگام نصب و جرّ «ین» می‌گیرد
 (مرفوع بالواو - منصوب أو مجرور بالياء)

در حالت مضاف «ن» آنها حذف می‌شود:
 طالبو المدرسة، طالبی المدرسة، معلمی (معلمين+ی)

برخی صیغه‌های مضارع
 صیغه‌های که به «ون» ، «ن» ، «ان» ، «ین» ختم می‌شود، حتی بعد از حذف «ن» -
 «تذهبون» ، «لا تقولا» ، «لم تستمعی و ...»

جمع مونث سالم
 فقط در حالت نصبی اعراب فرعی دارد (منصوب بالكسرة)

کلمات انحرافی
 «أموات، أوقات، أصوات، أبيات و ...»

غیر منصرف
 فقط در حالت جرّی اعراب فرعی دارد: فتحه می‌گیرد (مجرور بالفتحة)

هیچگاه تنوین نمی‌گیرند

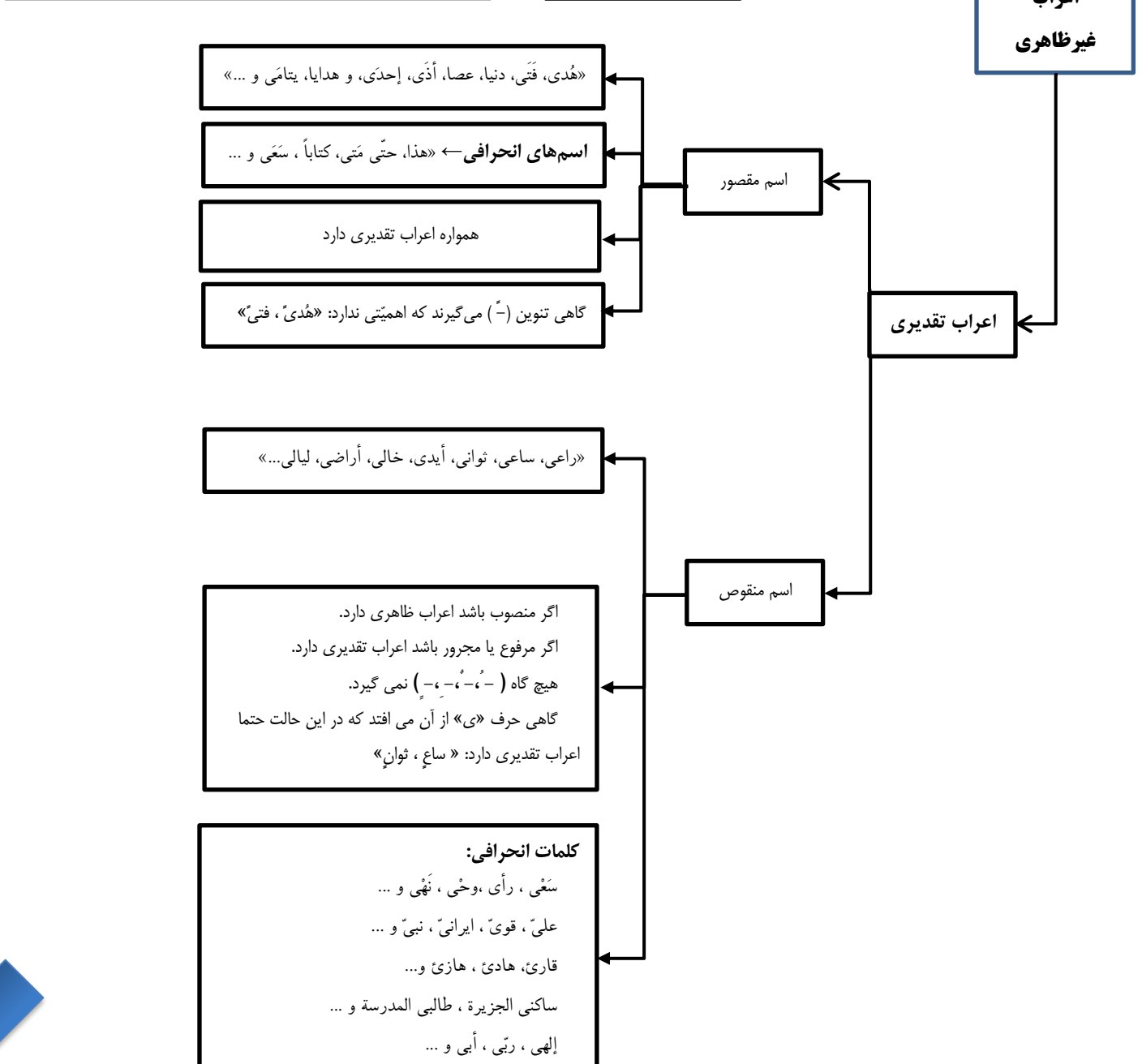
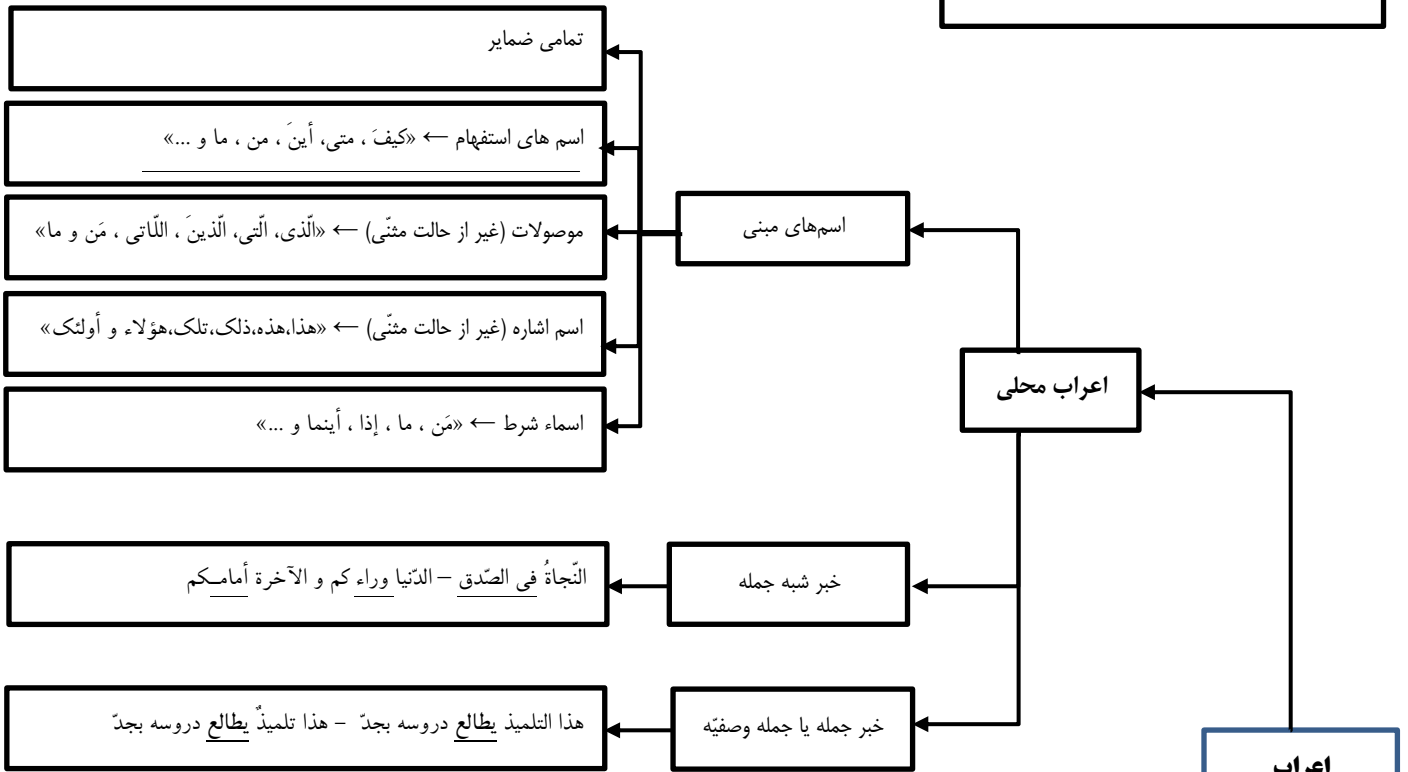
اگر «ال» بگیرند یا «مضاف» شوند، حتماً اعراب شان اصلی است

- ۱- اسم خانم‌ها
- ۲- اسمهای پیامبران غیر از «هود، نوح، لوط، شیت، صالح، شعيب، محمد» (ص)
- ۳- اسم شهرها و کشورها
- ۴- وزنهاي «أفعل، فُعَلان، مفاعل، مفاعيل و ...»
- ۵- اسمائی که «اء» زائد داشته باشند: «علماء، شهداء، عظماء و ...»
- ۶- اسم علم غیر عربی مانند «هارون، قارون، فرعون، نوبل، غالیله و ...»
- ۷- اسم آقایان اگر «ة» داشته باشد: «معاوية، طلحة و ...»

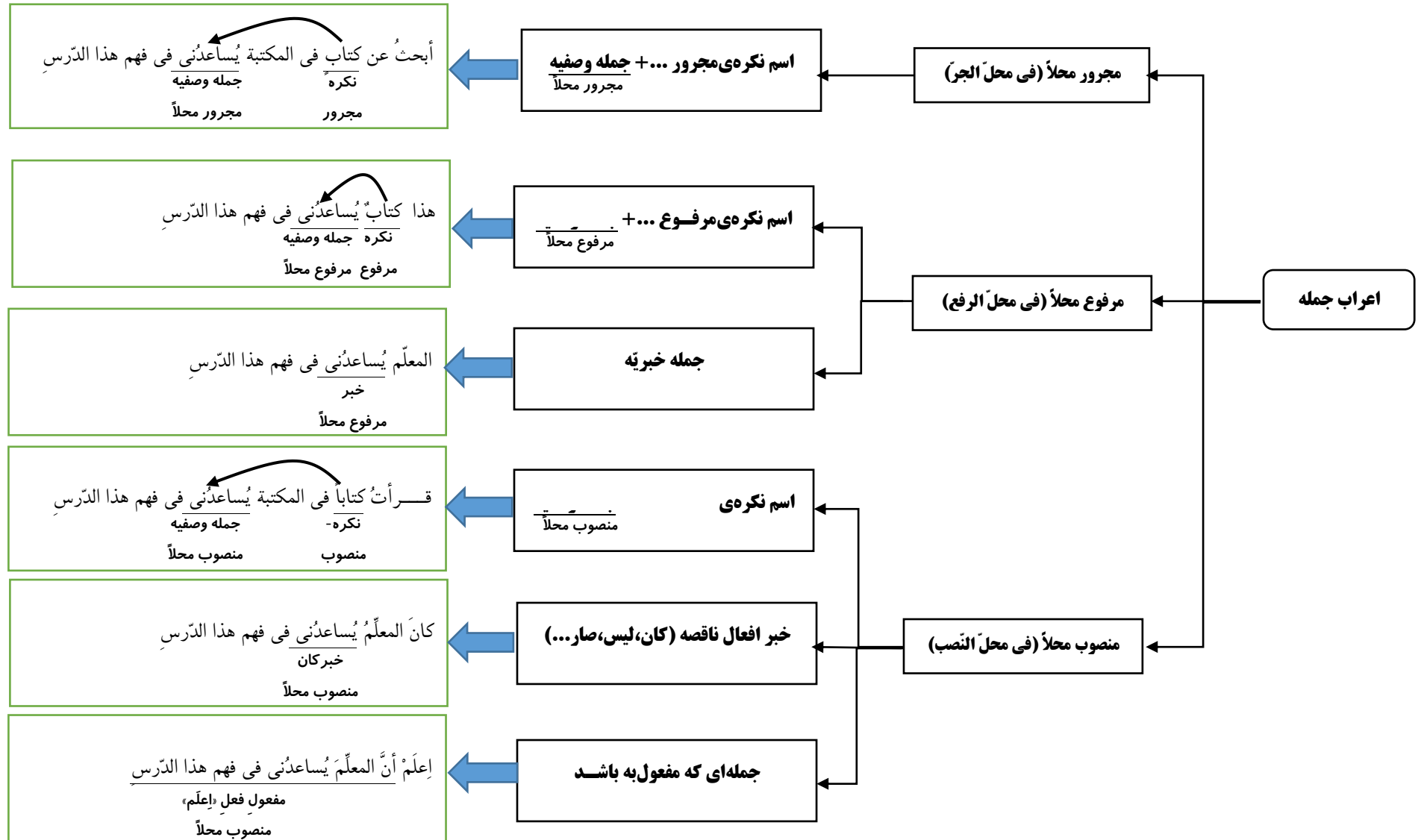
**یوسف و زهراء و سلمان
 أكثر مناطق ایران**



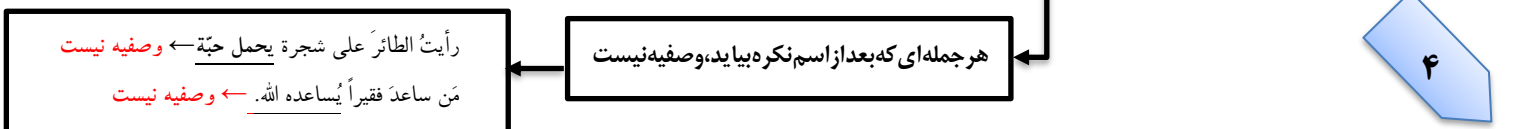
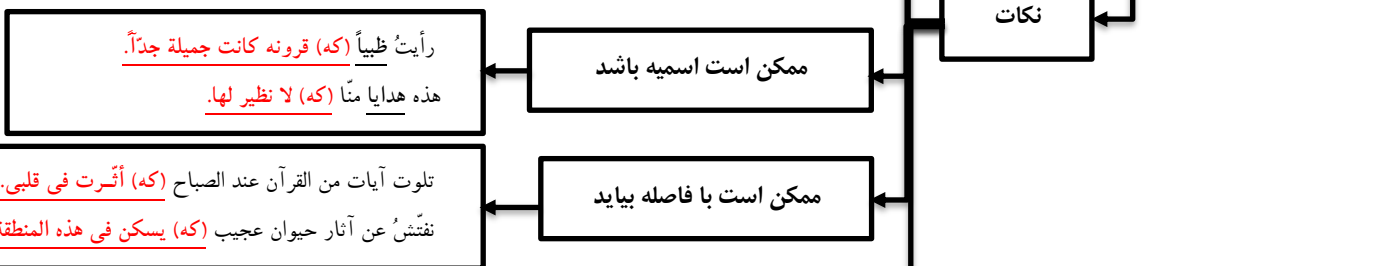
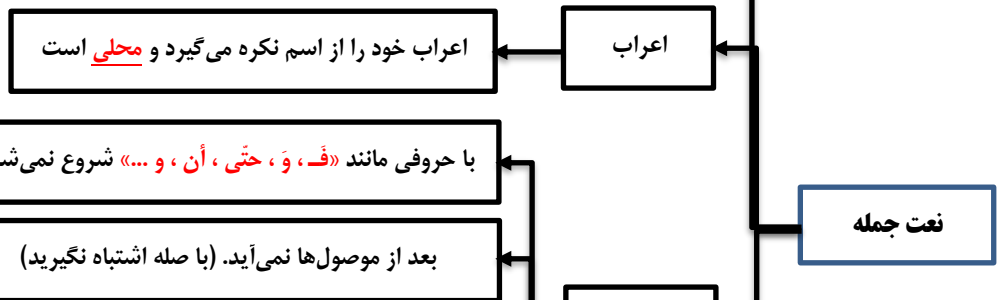
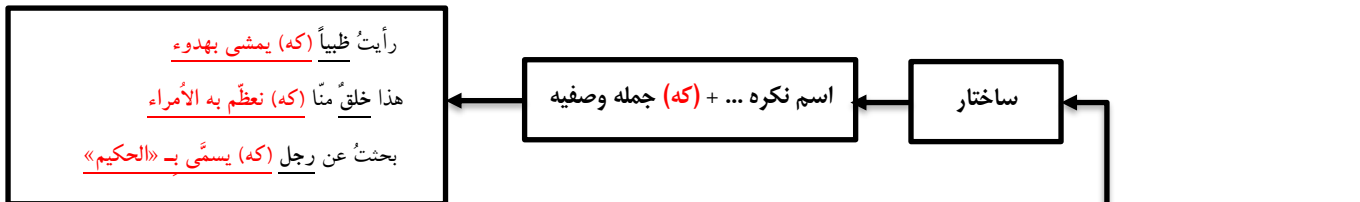
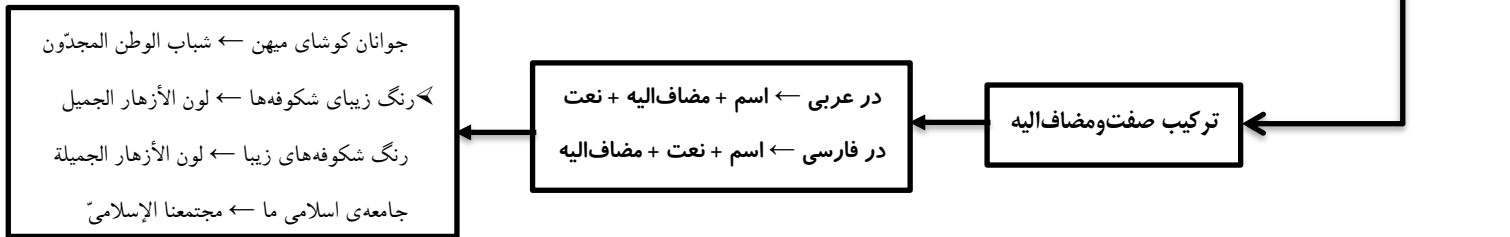
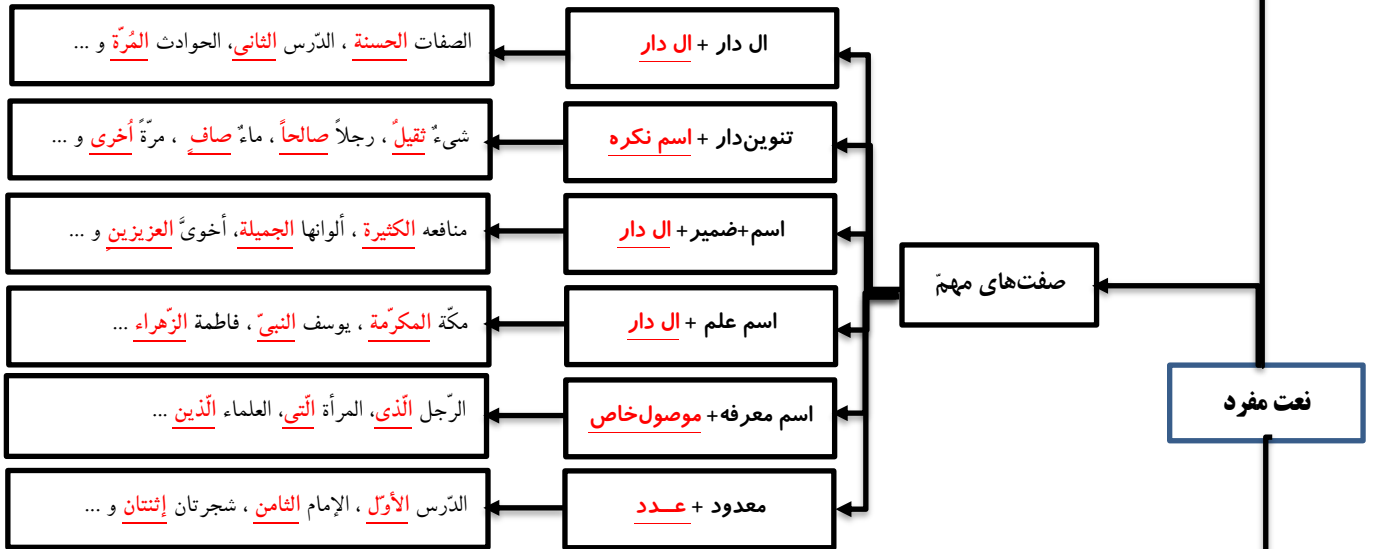
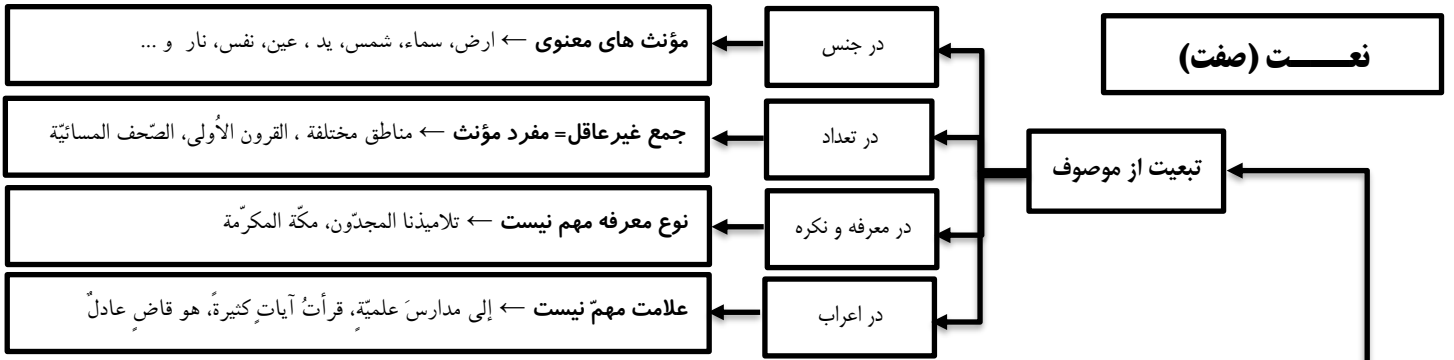
انواع اعراب - اعراب غیر ظاهری

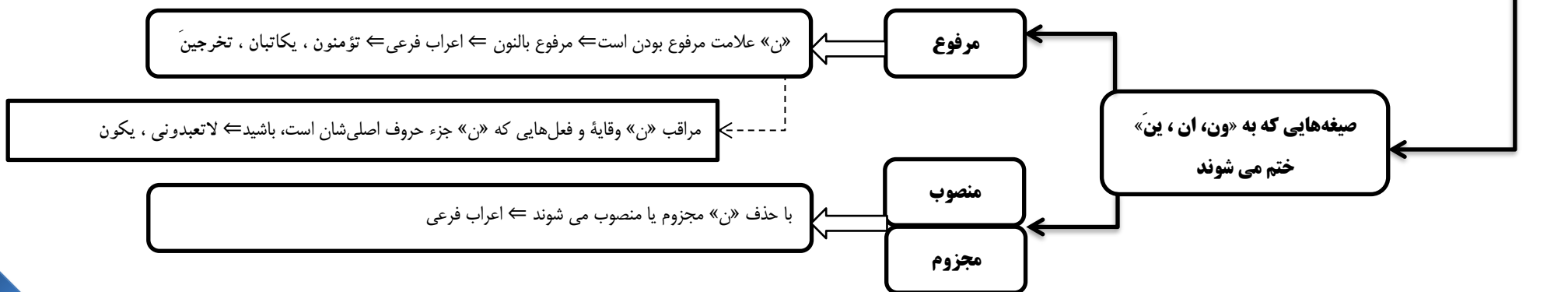
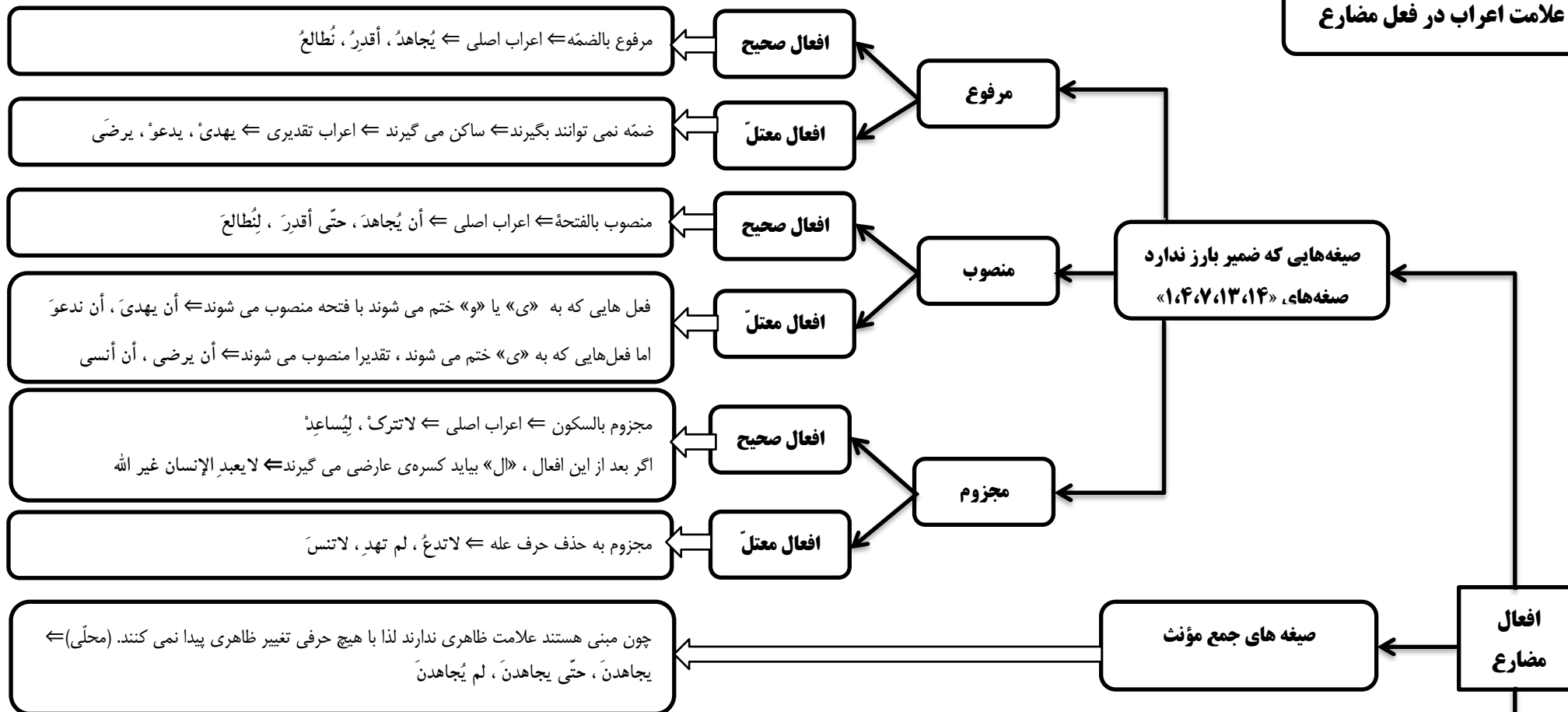


اعراب جملات

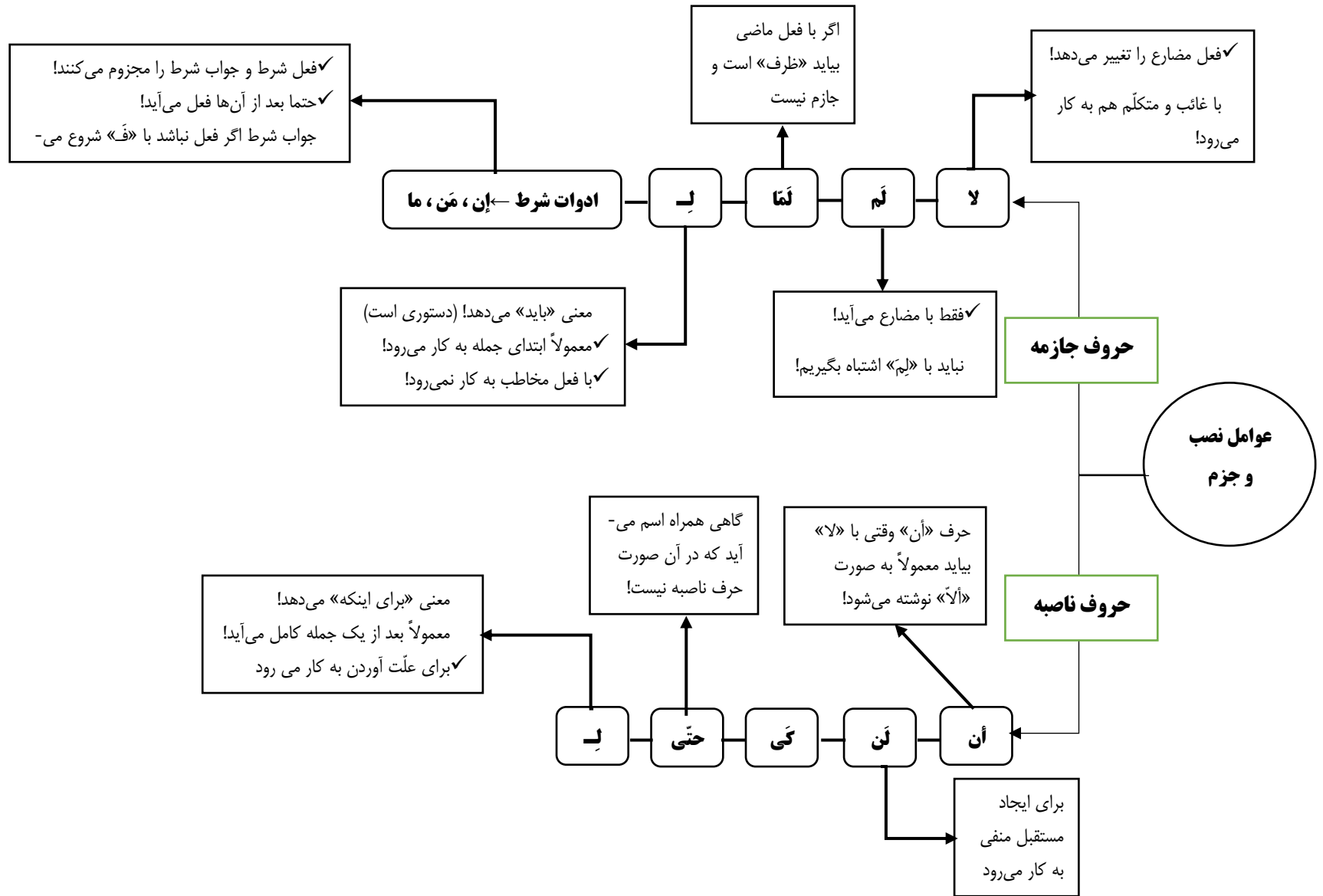


نعت (صفت)





عوامل نصب و جزم فعل مضارع



انواع «ما»

حرف

نافیه

همراه فعل ماضی یا مضارع یا جمله اسمیه به کار می‌رود

ما ذَهَبَ أَحَدٌ لِمَسَاعِدَةِ الرَّاعِي (کسی برای یاری چوپان نرفت)
ما تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسَبُ غَدًا (کسی نمی‌داند که فردا چه چیزی به دست می‌آورد)
ما عندي شيءٌ (چیزی ندارم)

کافه

همان «ما» که در «إِنَّمَا» وجود دارد

إِنَّمَا مَنْ يَتَّقِي اللَّهَ الْبَطْل (تنها کسی که تقوای الهی پیشه می‌کند قهرمان است)

نه معرفه است و نه نکره
نقش و اعراب ندارد.

انواع «ما»

اسم

شرط

در ابتدای جمله می‌آید.
معنی «هرکس» می‌دهد.
ما + فعل مجزوم... + فعل مجزوم...
ما + فعل مجزوم... + فَ...
نکره است.

ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ (هرچه از خیر انجام دهید خدا آن را می‌داند).
ما يَقْرَبُكُمْ مِنَ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ (هرچه شما را به خدا نزدیک کند خیر است).

استفهام

در ابتدای جمله می‌آید.
معنی «چه کسی» می‌دهد.
نکره است.

ما أَنْفَعُ لَكُمْ مِنْ هَذِهِ الْعُلُومِ. (چه چیزی از این دانش‌ها برای شما سودمندتر است؟)

موصول

در ابتدا یا وسط جمله می‌آید.
معنی «چه کسی» می‌دهد.
معرفه است.

قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ مَا يُحْسِنُهُ. (ارزش انسان به چیزی است که آن را درست انجام دهد).
ما نَطْلُبُ مِنْكُمْ هُوَ صَدَقَ الْحَدِيثُ. (آنچه از شما می‌خواهیم همان راستگویی است).

بررسی جملات شرطیه

می تواند جمله اسمیه یا فعلیه
باشد

باید فعل باشد و
بلافاصله بعد از اداء شرط می آید

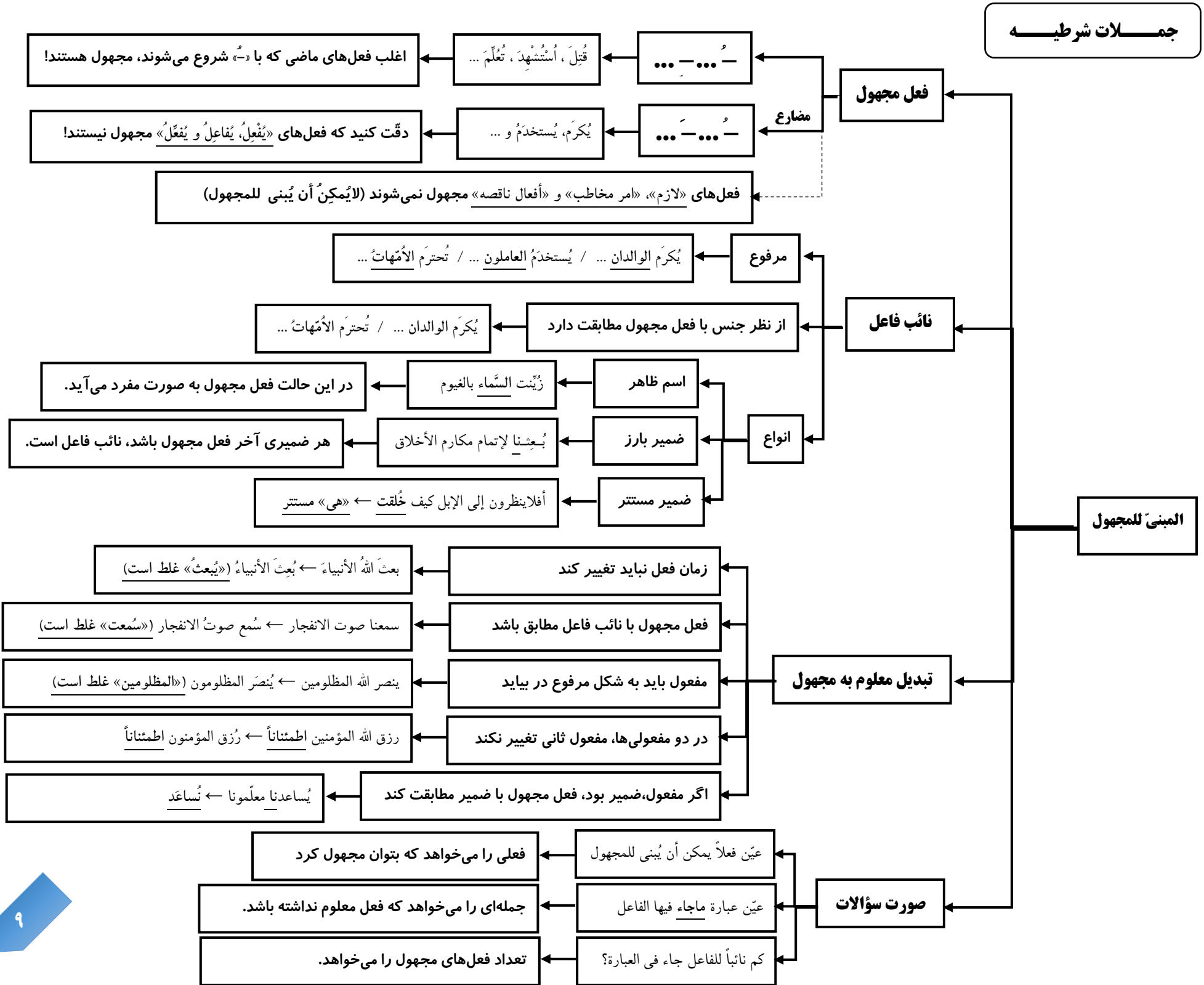
همیشه نشاندهی شرطیه بودن
جمله است
حرف است نه اسم

ادوات شرط	فعل شرط ...	جواب شرط	نکات
إِنْ	تَجْتَهِدُوا فِي طَرِيقِ نَيْلِ آمَالِكُمْ	تَصَلُّوا إِلَيْهَا عَنْ قَرِيبٍ	فعل و جواب شرط هر دو باید مجزوم شوند!
مَنْ	تَوَكَّلْ عَلَى رَبِّهِ	يُسَاعِدُهُ فِي الشَّدَائِدِ	فعل شرط یا جواب شرط اگر ماضی باشند، ظاهرشان تغییر نمی کند! (محلاً مجزوم می شوند) ← <u>تَوَكَّلْ</u> فعل شرط یا جواب شرط اگر ماضی باشند، به صورت مضارع ترجمه می شوند!
	يَعْمَلُ الْخَيْرَ وَلَا يَنْطِقُ عَنْهُ	يَجِدُ ثَمْرَتَهُ عِنْدَ اللَّهِ	اگر فعل یا جواب شرط، <u>معطوف</u> داشته باشند، آن هم باید مجزوم شود ← «لَا يَنْطِقُ» فعل شرط یا جواب شرط ممکن است با « <u>کسره عارضی</u> » مجزوم شوند ← <u>يَعْمَلُ</u>
	يَعْمَلُ بِمَا يَعْذُ	يُكْرِمُهُ النَّاسُ	<u>صله</u> یا <u>جمله ی وصفیه</u> را نباید مجزوم کنیم ← <u>يَعْذُ</u>
مَا	يَجْعَلُ حَيَاةَ الْعِظْمَاءِ مَشْعَلِ هِدَايَتِهِ	لَنْ يَضِلَّ	اگر همراه فعل شرط یا جواب شرط <u>حرف ناصبه</u> بیاید، باید ظاهر فعل را منصوب کنیم ← <u>لَنْ يَضِلَّ</u>
	تَنْفِقُ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ	فَسَجَزَاؤُهُ عِنْدَ اللَّهِ	جواب شرط اگر فعل نباشد (جمله اسمیه باشد)، حتماً با « <u>فَ</u> » شروع می شود!
إِذَا	تَشَاهِدُونَ رِجَالًا ذَا حَاجَةٍ	فَأَسْرِعُوا الْمُسَاعَدَةَ	« <u>إِذَا</u> » فعل یا جواب شرط را مجزوم نمی کند! ← <u>تَشَاهِدُونَ</u> جواب شرط اگر فعل <u>امر</u> یا <u>نهی</u> باشد با « <u>فَ</u> » شروع می شود!

اسم، نکره و عامل است.
فقط اول جمله می آید.
با فعل غائب می آید.
غالباً مبتدأ است

اسم، نکره و عامل است.
فقط اول جمله می آید.
غالباً مفعول به است





جملات اسمیه

مبتدا

تنها، یک اسم است

نکته

«جار و مجرور» یا «ظرف» (عندّ، قبل، بین، هناك، هنا و ...) نمی تواند مبتدا شود

مرفوع است

غالباً در ابتدای جمله می آید

گاهی مبتدا بعد از خبر می آید!

اسم مرفوع

مفرد

الشهداء في رأيي خيرُ الناس عملاً!
الرجل الذي دخل المدرسة معلّمنا

نکات

اسم بدون «ال» بعد از اسم اشاره، خبر است
هؤلاء مجاهدون يضحون بأنفسهم في سبيل الله!
جمله ی صله را نباید با خبر اشتباه بگیریم.
أشجع الناس مَنْ يقول كلام الحق أمام الظالم!
اگر وسط جمله ی اسمیه، ضمیر منفصل بیاید، کلمه ی بعد از آن خبر است
ما نطلب منكم في هذا الزمان هو صدق الحديث

جمله اسمیه

خبر

ظرف جار و مجرور

شبه جمله

حسن الخلق من ثمرات الأدب
الجنة تحت أقدام الأمهات.

نکته

هنگام حرکت گذاری، اصلاً به خبر توجه نکنید یعنی «من ثمرات» مجرور و «تحت» چون ظرف است، منصوب می شود.

مرفوع محلاً

خبر شبه جمله گاهی مقدّم می شود

عندّ الله ثواب الدنيا والآخرة.
من وظائف المسلم مساعدة الآخرين.

جمله

فعلیه

التلميذ المؤدّب عند دخول الصف يستأذنُ

اسمیّه

دين الإسلام أساسه حسن الخلق

مرفوع محلاً

نکته

جمله وصفیه را نباید با خبر اشتباه بگیریم

حقٌّ يضرُّ خبيرٌ من باطل يسرُّ

افعال ناقصه

افعال ناقصه

شناخت و نکات

كان (بود)، ليس (نیست)، صارَ (شد)، مادام (تازمانی که)، أصبحَ

«ليس»، و «مادام» شکل مضارع ندارند! «يتكوّن» و «يدوم» جزء افعال ناقصه نیستند

«فاعل، مفعول، لازم، متعدی، معلوم و مجهول» برای افعال ناقصه کاربردی ندارد.

اسم افعال ناقصه

همواره مرفوع است

از نظر جنس با فعل ناقصه مطابقت دارد

اسم ظاهر

كان المسلمون متّحدین

در این حالت افعال ناقصه به صورت مفرد می آیند.

ضمیر بارز

هؤلاء أصبحوا أئمةً للآخرین.

هر ضمیری آخر افعال ناقصه باشد، اسم آن است.

ضمیر مستتر

هذه كانت ظاهرة طبيعية ← «هي» مستتر

مفرد (اسم) و منصوب

كان الله بما يعملون محیطاً.

شبه جمله منصوب محلا

أليس الله بأحكم الحاكمين؟!

جمله منصوب محلا

كان الطّبي يمشي بهدوء!

خبر شبه جمله گاهی

مقدّم می شود

كانت لنينا أخت تحترمنا كثيرا!

ليست عندي ذرّة حسداً.

حروف مشبهه بالفعل

شناخت و نکات

إِنَّ (همانا)، أَنْ (که)، كَأَنَّ (گویا، مثل اینکه)، لَكِنَّ (اما)، لَيْتَ (کاش)، لَعَلَّ (شایدکه، باشدکه، امید است)

«إِنَّ» و «أَنَّ» با جمله اسمیه می آیند ولی «إِنَّ» و «أَنَّ» بر سر فعل می آیند.

«إِنَّ» وقتی با «ما» بیاید (إِنَّمَا) از نظر قواعدی در جمله بی اثر می شود.

اسم حروف مشبهه

همواره منصوب است

اسم ظاهر

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ مُتَّحِدُونَ

دو حالت دارد

ضمیر بارز

إِنَّكُمْ مُجِدُّونَ فِي أَعْمَالِكُمْ

هر ضمیری آخر این حروف باشد، اسم آن است.

حروف مشبهه

خبر حروف مشبهه

سه حالت دارد

مفرد (اسم)
و مرفوع

إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ.

شبه جمله
مرفوع محلا

لَيْتَ أصدقائي فِي فرجٍ و سرور.

جمله
مرفوع محلا

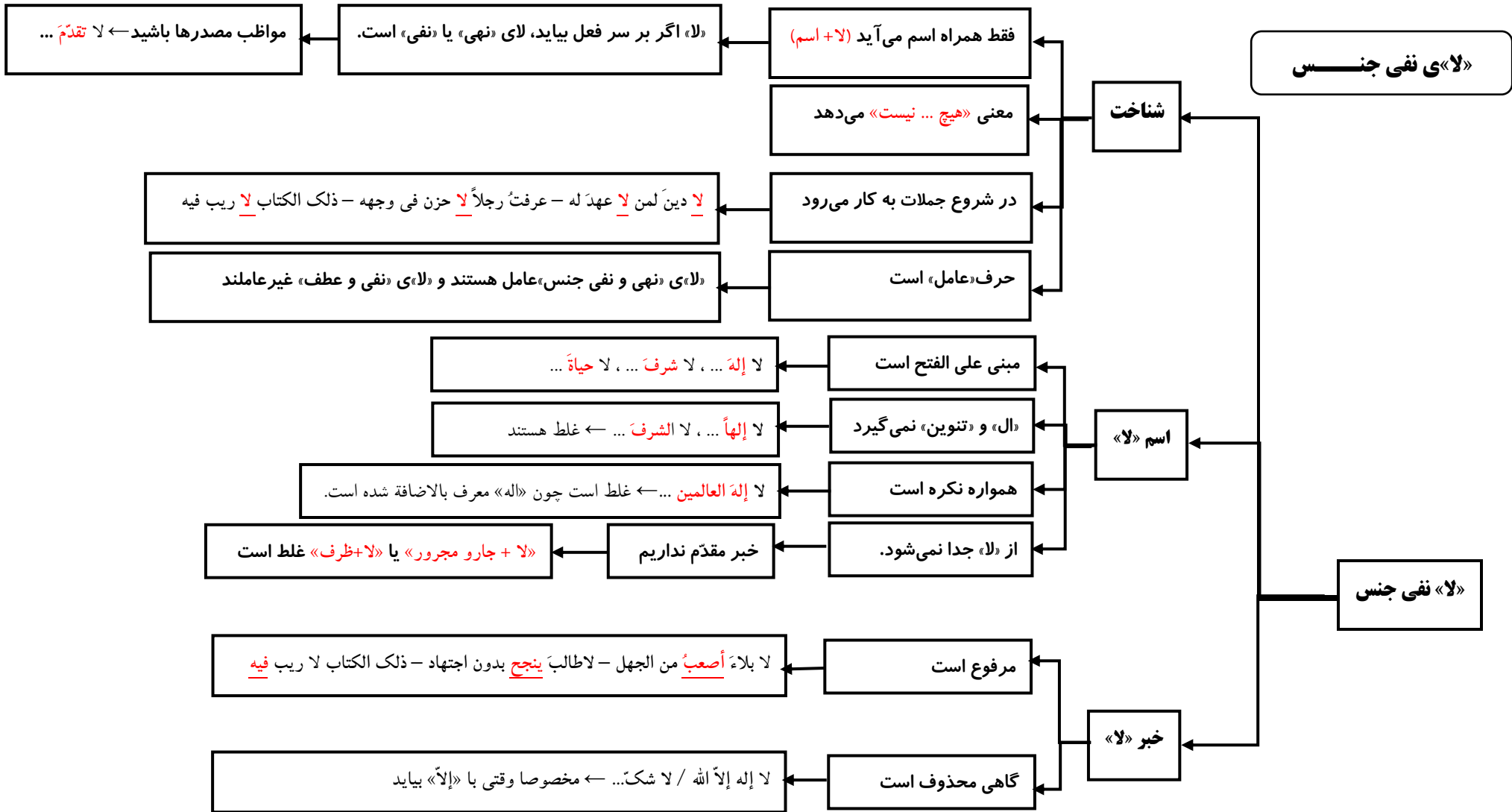
كَأَنَّ الظبيَّ كان يمشي بهدوء! - لعلّ والدي يفهمون كلامي

خبر شبه جمله گاهی

مقدم می شود

يا ليتَ لَنَا ثروةً قارونَ.

لعلّ عندي ذرةٌ شجاعةً.



مفعول مطلق

مفعول مطلق

فعل ... + مصدر منصوب همان فعل

مفعول مطلق تأکیدی

مفعول مطلق (بدون وابسته)

يؤكد على وقوع الفعل
يرفع الشك عن وقوع الفعل
فيه تأكيد و اهتمام على وقوع الفعل

با قیدهای تأکیدی مانند «حتماً، بی شک، بی تردید و ...» ترجمه می‌شود!

نزلَ اللهُ القرآنَ تنزيلاً لهداية البشر!
من توكل على الله توكلًا، يطمئن قلبه إطمئنانًا!

مفعول مطلق + م.ال

يتسم النبي للأطفال إبتساماً الأب الحنون!
أحسین إلى الناس إحساناً من يعلم أن الله يشاهده!

مفعول مطلق نوعی (بیانی)

مفعول مطلق + صفت

أخبرنا القرآن عن بعض الظواهر إخباراً عجبياً

مفعول مطلق + جمله وصفیه

آمنت بالله في حياتي إيماناً لا يزول عني!

يُبين كيفية وقوع الفعل

با قیدهایی مانند «به زیبایی، به شدت، بسیار، کاملاً، به طرز عجیبی و ...» و یا با کمک کلماتی مانند «مثل، همچون، به گونه‌ی و ...» ترجمه می‌شود!

مصدر منصوب به تنهایی

«سبحان، معاذ، حتماً، جداً، أيضاً»

این مصدرها همواره مفعول مطلق هستند

حقاً

اگر معنی «حق و حقوق» ندهد، (معنی «واقعاً، حقیقتاً» بدهد) مفعول مطلق است!

بقیه مصدرهای عربی

منصوب هستند و غالباً در ابتدای جمله می‌آیند!

نقش دیگری در جمله ندارند!
معمولاً شبیه فعل ترجمه می‌شوند.

«شكراً، صبراً، حمداً، عفواً، معذرةً
إجتهاداً، إجتئاباً و ...»

مفعول فيه

ظرفهای معروف

«أمام، خلف، وراء، جنب، فوق، تحت، قبل، بعد، عند، بين، حين، متى، إذا، أين، أينما...»

این کلمات همیشه ظرف هستند مگر اینکه مجرور به حرف جرّ شوند!

مفعول فيه

ظرف های مبنی

«إذا، متى، أين، أينما»
«الآن، أمس، حيث، هنا، هناك»
«لما» (به شرطی که با فعل ماضی بیاید!)

هر ظرفی که مضاف شود معرب است!

اسم

منصوب

قید زمان و مکان

نقش غیر اصلی

دام های ظرف

اسم و خبر نواسخ

إنَّ اليومَ يومُ العملِ كانتِ الأيَّامُ قریبةً من يومِ العید!

مفعول «مَضَى» و «قَضَى»

قَضِيتُ ساعةً فی بیت جدی نُمِضِ هذه اللیلة فی مدینة مشهد.

فاعل «مَضَى، حان، إقترَبَ»

مَضَتِ فترةُ الإستراحةِ حان فصلُ الربیعِ إقترَبَ يومُ الإمتحانِ

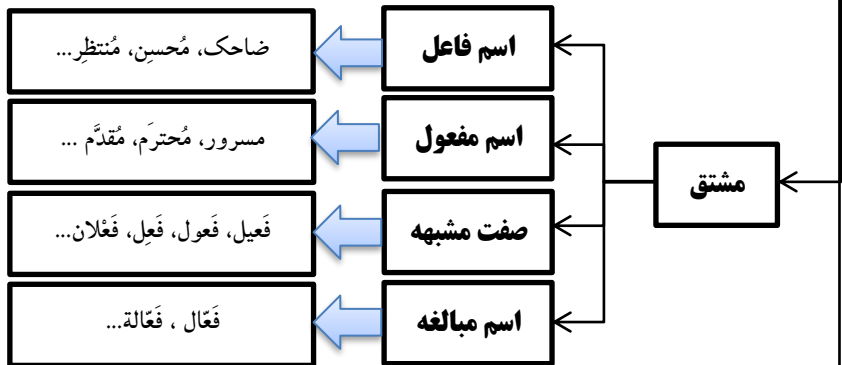
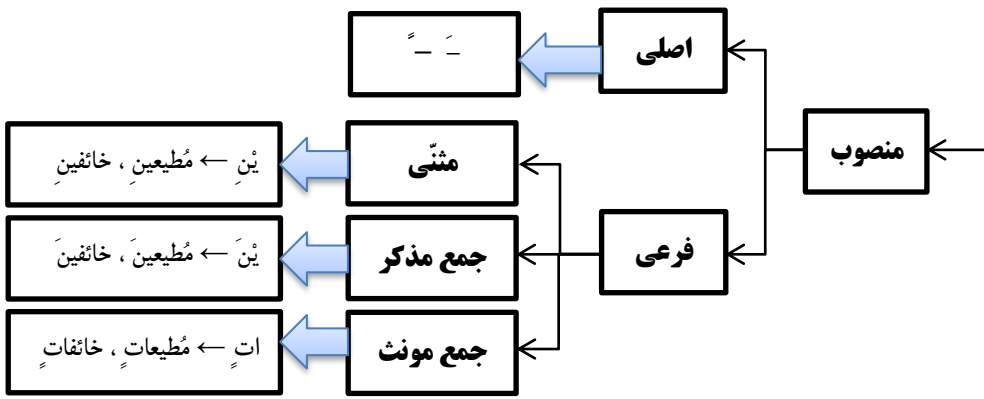
مفعول به

تذکرتُ يوماً کنتُ طالبا! شاهدنا لحظاتٍ من المسابقة فی التلفزيون

فقط یک کلمه است

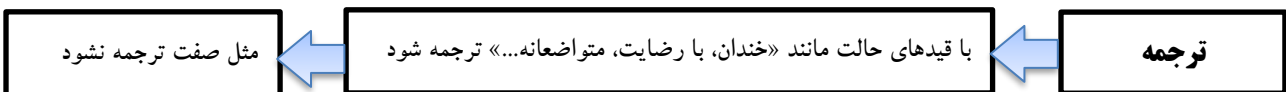
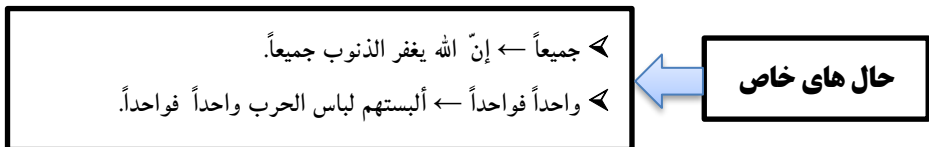
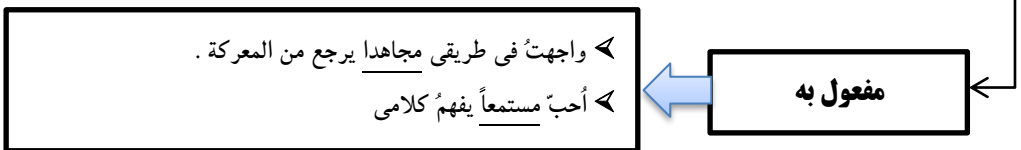
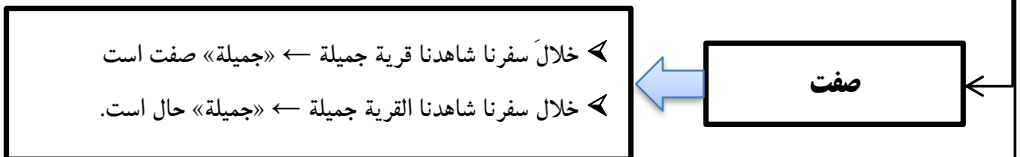
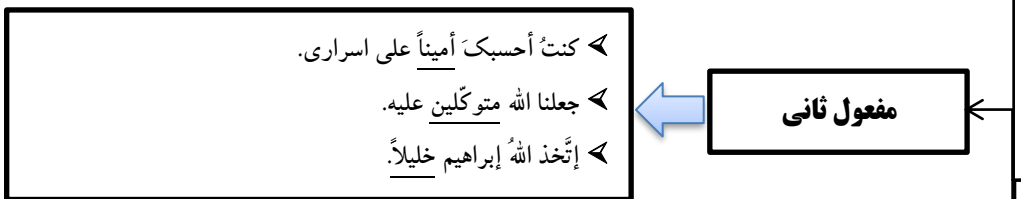
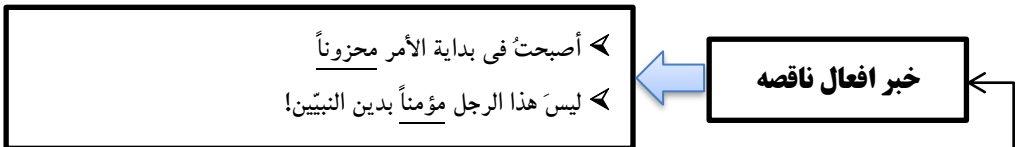
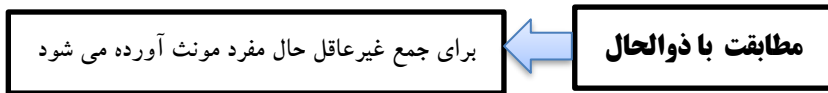
ذاتِ يومٍ ذهبنا إلى خارجِ المدینة کلَّ يومٍ نتلو آیات من القرآن الکریم تلكَ اللیلة بقینا فی الغابة

«حال»

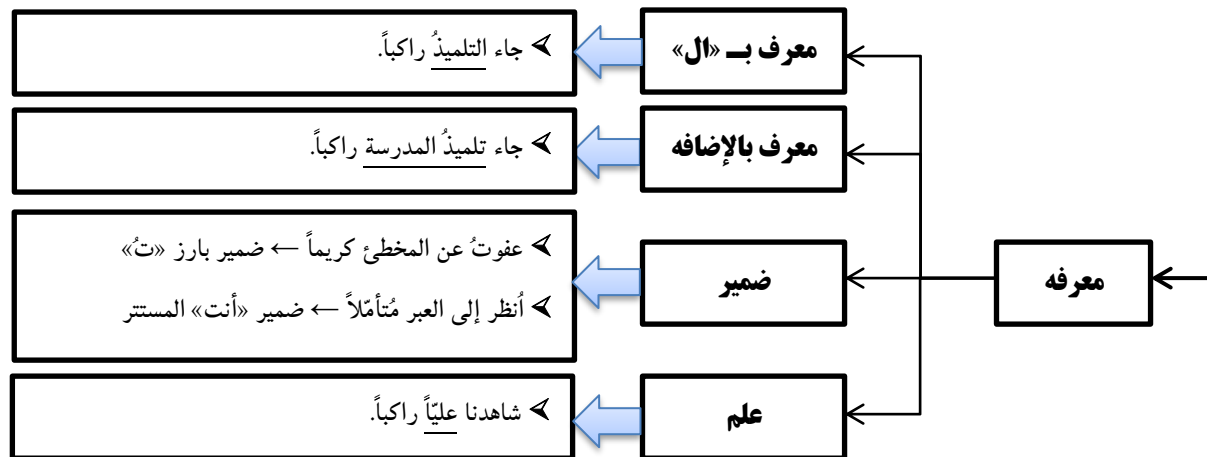


حال

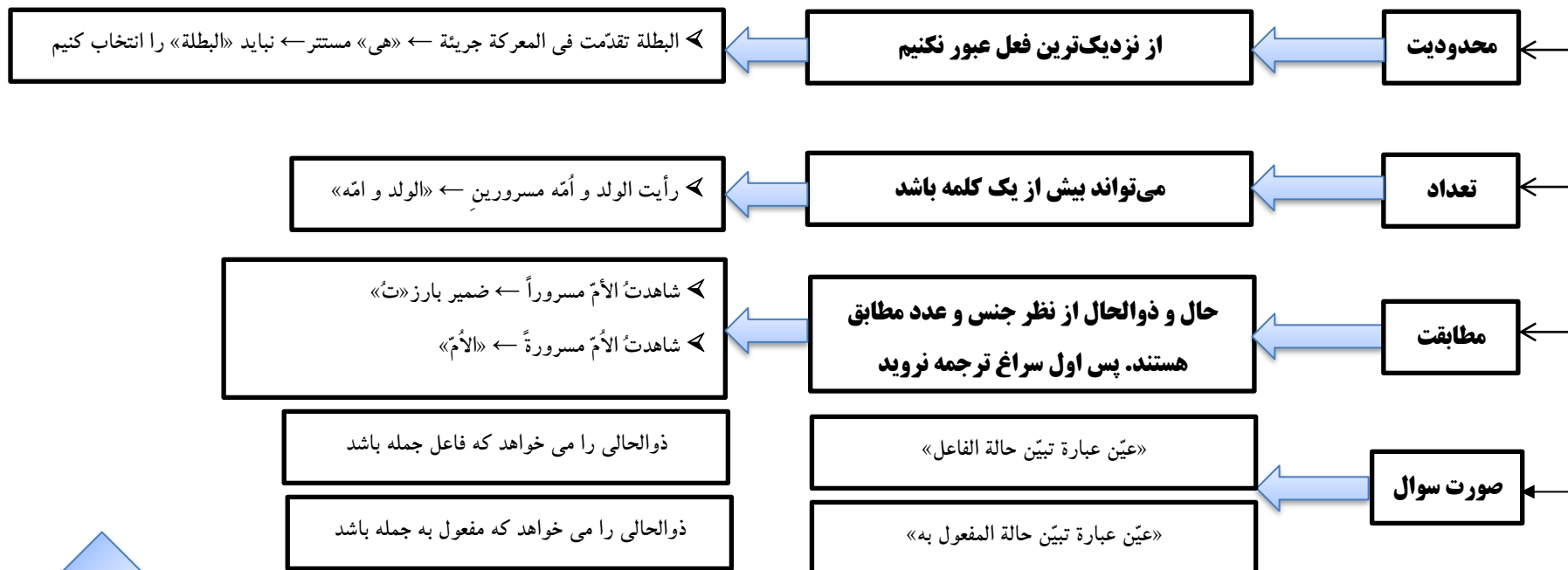
یَبِّينُ الحَالَةَ أَوْ هَيْئَةَ اسْمٍ
مَعْرِفَةَ عِنْدَ وَقُوعِ الفَعْلِ



نکات صاحب الحال



نکات صاحب الحال



تمییز

بعد از اعداد شمارشی

اعداد «ترتیبی» تمییز نمی خواهند

اعداد «یک و دو» تمییز نمی خواهند

«أطلب منكم الآن عشرين قلمًا»
«إني رأيت أحد عشر كوكبًا»

محل حضور تمییز

بعد از واحدهای اندازه گیری

«ما وجدتُ في وجه ذرَّةٍ حُرْنًا»
«ليشرب الطفل كلَّ يومٍ كويين لبنًا»
«لا أملكُ متقالًا ذهبًا»

تمییز

يُزيل الإبهام عن المعنى

بعد از اسم تفضیلها

اگر زمینه مقایسه معلوم نباشد

«هذا الرجلُ خيرُ الناسِ إيمانًا»
«هذه المرأةُ أحسنُ بيننا أخلاقًا»

بعد از برخی فعلها

فعلهایی مانند «إزداد، إمتلأ، ملئ، إشتهر،
طاب، تقدّم و وزن «فعل» تمییز می خواهند.

«إزدادت هذه الأنتهارُ ماءً»
«كَبُرَ مَقْتًا أن نواجه الناسَ بِخُلُقٍ سَيِّئٍ»

مشخصات ظاهری تمییز

تمییز غالباً جامد، نکره و منصوب است.

«الأمُّ أشدُّ ...» ← «حناناً، حباً، قلقاً، سروراً ...»
«إشتهرت هذا الرجلُ ...» ← «علماً، آثاراً، فناً، كرمًا، قُوَّةً ...»
«عالمًا، مؤثراً، فناً، كرمًا، قُوَّةً»
«مُسوراً، مُحبباً»

گاهی تمییز مشتق می شود

«اللهُ خيرٌ حافظاً» و هو أرحمُ الراحمين!
«كفى بالله شهيدًا!»

ترجمه تمییز

می توان با «از نظر» آن را ترجمه کرد

«إنك أفضلُ الرجالِ أخلاقًا» ← تو از نظر اخلاقی برترین مردانی!

می توان به صورت مبتدا یا فاعل ترجمه کرد

«أعمالك اعلى درجة مني» ← درجه ی اعمال تو از من بالاتر است!
«إزدادت هذا المدينة «تلوثًا»» ← آلودگی این شهر زیاد شد!

اسلوب استثناء

اسلوب استثناء

تشخیص مستثنی منه

ترجمه

«كل شيء يرخص إذا كثر إلا الأدب» ← هر چیزی وقتی زیاد شود بی ارزش می شود به جز ادب ← «كل شيء» مستثنی منه است!
 «لا تساعد الخفاش عند الطيران إلا آذانها» ← هنگام پرواز ففاش را کمک نمی کند مگر گوش هایش ← مستثنی منه محذوف است!

ترکیب

اگر جمله ی قبل از «إلا» یک نقش کم داشته باشد مستثنی منه محذوف است
 «ما كان هدف النبي إلا التعليم» ← خبر كان نداریم ← مستثنی منه محذوف است.
 «لا تساعد الخفاش عند الطيران إلا آذانها» ← فاعل نداریم ← مستثنی منه محذوف است!

از این روش بیشتر برای جملاتی استفاده می شود که نواسخ دارند.

نکات

اگر بعد از إلا اسم **مرفوع** بیاید، مستثنی منه محذوف است!

«لا ينجح في هذه الحياة إلا المجدون» ← مستثنی منه محذوف است.

اگر جمله ی قبل از إلا **سوالی** یا **منفی** نباشد، حتماً مستثنی منه داریم!

«كلنا في بلادنا الإسلامية نعاني الكسالة و الخمول إلا المجدين منا»

در انتخاب مستثنی منه، ضمیر بارز بر اسم ظاهر اولویت دارد

«الملائكة كلهم سجدوا إلا إبليس» ← مستثنی منه ضمیر بارز «واو» است نه «الملائكة»

اگر مستثنی منه ضمیر «نحن» باشد، محذوف به حساب نیاید!

«ندفع إلى ساحة المعركة مهلئين إلا أخانا الصغير» ← مستثنی منه «نحن» مستتر است.

اسلوب حصر

اگر جمله ی قبل از إلا منفی بوده و مستثنی منه محذوف باشد، اسلوب حصر داریم یا اینکه در جمله «إنما» داشته باشیم.

«لا نطلب إلا الحسنات» = إنما نطلب الحسنات ← فقط خوبی ها را طلب می کنیم!

مستثنی منه محذوف

اعراب نقشی که قبل از إلا حذف شده را به مستثنی می دهیم

«لا إله إلا الله» ← چون قبل از إلا خبر «لا» نیامده ← «الله» مرفوع می شود!
 «ما رایت إلا فاطمة» ← چون قبل از إلا مفعول نداریم ← فاطمة منصوب می شود!

اعراب مستثنی

مستثنی منه مذکور

مستثنی منصوب می شود

«نستشير الناس إلا الجاهلين» ← «الناس»: مستثنی منه ← «الجاهلين» منصوب می شود!
 «لم يكن لنا عمل إلا الدعاء» ← «عمل»: مستثنی منه ← «الدعاء» منصوب می شود!

منادا

عَلَم

یک اسم عَلَم است

یا محمدُ، یا فاطمةُ، یا قدسُ...
اللَّهُمَّ (اللهُ + م) ← همان «یا الله» است!

مفرد

فقط یک کلمه است

نگره مقصوده

یک اسم غیر عَلَم است

یا رجلُ، یا تلميذةُ، یا مؤمنُ
أَيُّهَا النبيُّ، أَيُّهَا النفسُ ← «أى» و
«أَيَّة» مناداست!
﴿ يا مَنْ إسمه دواء ... ← «مَنْ» مناداست.
یا مسلمونَ، یا تلميذانِ ...

مبنی علی الضمّ است!
هرگز «ال» و «تنوین» نمی گیرد!
«محلا منصوب» هم گفته می شود!

أَيُّهَا + ال + مذکر + مرفوع

أَيُّهَا + ال + مؤنث + مرفوع

منادا

مضاف

با مضاف الیه می آید

منصوب است

یا رَبَّنَا، یا مَدِينَةَ الْأَحْزَانِ، یا رَسُولَ اللَّهِ
یا أُمَّهَاتِ الشَّهَدَاءِ، یا مَسَلِمَاتِ الْعَالَمِ ← «جمع مؤنث سالم» با کسره منصوب می شود!
یا مَسَلِمَى الْعَالَمِ، یا أُخْتَيَّ (أُخْتَيْنِ + ي) ← حرف «ن» از آخرِ مضاف حذف می شود!
یا رَبِّ، یا عِبَادِ، یا إِلَهٍ ... ← منادا اگر یک کلمه باشد و کسره بگیرد، مضاف است!

هرگز «ال» و «تنوین» نمی گیرد!
اگر مثنی یا جمع مذکر باشد، «ن» حذف می شود!

حذف «یا»

گاهی حرف «یا» از ابتدای منادا حذف می شود!

اسم... + فعل مخاطب ← رَبَّنَا أَعْفُ عَنْ خَطَايَانَا! - تَلْمِيذُ شَاهِدَتِ صَدِيقِكَ فِي الطَّرِيقِ!
اسم ... + ضمير مخاطب ← حَافِظُ الْقُرْآنِ عَلَيْكَ الْعَمَلُ بِهِ! - مُؤْمِنُ الشَّيْطَانِ يُسْعَى أَنْ يَخْدَعَكَ!
اسم ... + جمله سوالی ← رَبَّنَا هَلْ يُمْكِنُ أَنْ نَفْرَّ مِنَ الْعَذَابِ؟!
اسم ... + جمله نامرتبط ← تَلَامِيذُ الْآنَ يَأْتِي الْأَسْتَاذُ!